

انگلیسی ها سنتی دارند که پس از مرگ یکی از پادشاهان خود بیدرتنگ اعلام می کنند: "شاه مُرد - زنده باد شاه" [۱].

معنای این جمله متناقض که ممکن است شگفت آور به گوش رسد، اینست که با اعلام خبر مرگ پادشاه پیشین، اعلام کنند که روح و نهاد پادشاهی همواره زنده و همچنان ادامه دارد، که سرپاش فروغ فرخزاد را در ذهن زنده می کند "پرواز در خاطر بسپار، پرنده مُردنیست".

اکنون داستان رژیم ایران ستیز ملایان است که بایستی اعلام کند: "عبدالناصر بنی کنعان مُرد، زنده باد عبدالناصر بنی کنعان"، زیرا ممکن است عبدالناصر بنی کنعان معروف به ناصر پورپیرا، که یک توده ای روس-زده خشکه مذهبی بود، اکنون مُرده باشد، ولی مکتبی ایرانستیزی او زنده و زمینه برای رشد بنی کنعان های دیگر در ایران اسلامی وجود دارد. اکنون رژیم ایرانستیز روضه خوانان بنی کنعان دیگری را بقچه ایرانستیزانه خود بیرون کشیده و به نام پژوهشگر و کارشناس تاریخ به گلوی ملت ایران فرو کرده و نامش محسن نیکبخت است!

محسن نیکبخت که به ادعای روزنامه ایران (وابسته به جناح دولتی اصلاحطلبان رژیم)، یک نویسنده و پژوهشگر است، [۲] دومین کتاب خود با سرنامه "نوگفته هایی از تخت جمشید" را بچاپ رسانده و در آن معماری و تاریخ هخامنشیان را زیر پرسش برده است! نیکبخت در ادامه کتاب پیشین خود، دقیقاً بشیوه عبدالناصر بنی کنعان، تخت جمشید را دروغین و "هخامنشیان را ستمگر" اعلام می کند، که با استقبال رژیم روبرو و رسانه های جمهوری اسلامی که "تنفر از ایران و ایرانی" در ذات و سرشتشان نهادینه شده است آنرا با آب و تاب ویژه ای پخش کرده اند. از جمله خبرگزاری جمهوری اسلامی که مسئولیت تبلیغات و رسانه ای کردنش را بر عهده گرفته است!

بهر روی، مساله قابل تامل و البته مضحکانه در اینست چنین شخصی که کتاب را باره تاریخ ایران باستان و معماری تخت جمشید می نویسد و رژیم او را "نویسنده و محقق" جا می زند، نه تنها تحصیلاتش در رشته مکانیکی است و هرگز در رشته های تاریخ، باستانشناسی، زبانشناسی یا معماری تحصیلات و فعالیتی نداشته است، بلکه پیشه و کارش نیز هیچ پیوند و ربطی با رشته های تاریخ، باستانشناسی و معماری ایران دو دوران باستان نداشته و معاون فنی هنرستان فنی پسرانه ای در منطقه ۱۵ تهران است. [۳]

شوربختانه از سال ۱۳۵۷ تا به امروز در ایران هیچ کس و هیچ چیزی بر سر جای خودش نیست؛ - روضه خوانان رهبر و رئیس جمهور کشور می شوند و وزیر و الواط و چاقوکشان نمایندگاند! در نتیجه یک لیسانسه مکانیکی بجای آنکه به کار و حرفه ای که در آن تحصیل کرده است بپردازد، این پروانه و گستاخی را به خود می دهد که وارد رشته □ تاریخ و باستانشناسی و معماری گشته و با فرافکنی و دروغ سازی و جعل تاریخ، هویت یک ملت کهنسال را به میل ستمگران حاکم بر کشور زیر پرسش برد؛ - تا از این راه نه تنها نامی شوم برای خود کسب کند بلکه با در یوزگی امرار معاش کند.

در هر روی، قطع و حذف علف ها از جامعه ما درمان درد "قحط الفکری" و "قحط الرجالی" نیست، بلکه زمین مستعد برای رشد اینگونه علف های هرز را بایستی خشکاند، که آن هم با سرنگونسازی رژیم روضه خوانان و بازگردادن قشر نخبگان در صدر جامعه ممکن خواهد شد.

خداوندا، این کشور را از خشکمغزی، دشمن درونی و برونی و دروغ رها ساز!

شاپور سورنپهلو

روز آبان از ماه اسفند سال ۳۷۵۴ بهدینی

۲۱ فوریه ۲۰۱۷ ترسایبی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

---

۱ - The King is dead, long live The King

۲ - <http://www.iran-newspaper.com/newspaper/BlockPrint/403924>

۳ - <http://khodaei15.ir/معاونین/هنرستان-معرفی/>

